

سوره ملك

این سوره در «مکّه» نازل شده و دارای ۳۰ آیه است

محتوای سوره:

سوره ملك- که نام دیگرش «منجیه» (نجاتبخش) و نام سومش «واقیه» یا «مانعه» است زیرا تلاوت کننده خود را از عذاب الهی یا عذاب قبر نگاه می‌دارد- از سوره‌های بسیار پرفضیلت قرآن می‌باشد، و مسائل زیادی در آن مطرح شده که عمدتاً بر سه محور دور می‌زند.

۱- بحثهائی پیرامون «مبدأ» و صفات خداوند، و نظام شگفت‌انگیز خلقت مخصوصاً آفرینش آسمانها و ستارگان، و آفرینش زمین و مواهب آن، و همچنین آفرینش پرندگان، و آبهای جاری و آفرینش گوش و چشم و ابزار شناخت.

۲- بحثهائی پیرامون «معاد» و عذاب دوزخ، و گفتگوهای مأموران عذاب با دوزخیان، و مانند آن.

۳- انذار و تهدید کافران و ظالمان به انواع عذابهای دنیا و آخرت.

فضیلت تلاوت سوره:

در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «سوره ملك سوره «مانعه» است، یعنی از عذاب قبر ممانعت می‌کند، و در تورات به همین نام ثبت است، کسی که آن را در شبی بخواند بسیار خوانده، و خوب خوانده، و از غافلان محسوب نمی‌شود». برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۳۲

البته این همه آثار عظیم مربوط به خواندن بدون فکر و عمل نیست، هدف خواندنی است آمیخته با الهام گرفتن برای عمل.

بسم الله الرحمن الرحيم به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

(آیه ۱)- این سوره با مسأله مهم مالکیت و حاکمیت خداوند و جاودانگی ذات پاک او آغاز می‌شود که در واقع کلید همه بحثهای این سوره است.

می‌فرماید: «پر برکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست» (تبارك الذی بیده الملك و هو علی کل شیء قدیر).

(آیه ۲)- در این آیه به هدف آفرینش مرگ و حیات انسان که از شؤون مالکیت و حاکمیت خداست اشاره کرده، می‌فرماید: «آن کسی که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما بهتر عمل می‌کنید» (الذی خلق الموت و الحیاة لیبلوکم ایکم احسن عملاً).

منظور از آزمایش خداوند نوعی پرورش است، به این معنی که انسانها را به میدان عمل می‌کشد تا ورزیده و آزموده و پاک و پاکیزه شوند. و لایق قرب خدا گردند.

به این ترتیب عالم میدان آزمایش بزرگی است برای همه انسانها و وسیله آزمایش، مرگ و حیات، و هدف این آزمون بزرگ رسیدن به حسن عمل، که مفهومی «تکامل معرفت، و اخلاص نیت، و انجام هر کار خیر» است.

و از آنجا که در این میدان آزمایش بزرگ، انسان گرفتار لغزشهای فراوانی می‌شود و نباید این لغزشها او را مأیوس کند، و از تلاش و کوشش برای اصلاح خویش باز دارد، در پایان آیه به بندگان وعده یاری و آمرزش داده می‌گوید: «و او شکست ناپذیر و بخشنده است» (و هو العزيز الغفور).

(آیه ۳)- بعد از بیان نظام مرگ و زندگی، به نظام کلی جهان پرداخته، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۳۳ و انسان را به مطالعه مجموعه عالم هستی دعوت می‌کند، تا از این طریق خود را برای آن آزمون بزرگ آماده کند، می‌فرماید: «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید» (الذی خلق سبع سماوات طباقا). و به دنبال آن می‌افزاید: «در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی» (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت).

با تمام عظمتی که عالم هستی دارد هر چه هست نظم است و استحکام، و انسجام، و ترکیبات حساب شده، و قوانین دقیق و اگر بی‌نظمی در گوشه‌ای از جهان راه می‌یافت آن را به نابودی می‌کشید.

و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «بار دیگر نگاه کن (و عالم را با دقت بنگر) آیا هیچ شکاف و خلل و اختلافی (در جهان) مشاهده می‌کند؟! (فارجع البصر هل تری من فطور).

منظور این است که هر چه انسان در جهان آفرینش دقت کند کمترین خلل و ناموزونی در آن نمی‌بیند.

(آیه ۴)- و لذا در این آیه برای تأکید همین معنی می‌افزاید: «بار دیگر به عالم هستی بنگر، سر انجام چشمانت به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان شده» و در جستجوی خلل و نقصان در این عالم بزرگ ناکام مانده است! (ثم ارجع البصر کترین ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر).

(آیه ۵)- این آیه، نظری به صفحه آسمان افکنده، و از ستارگان درخشان و زیبا سخن به میان آورده، می‌گوید: «ما آسمان پایین را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [- شهابها] را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم» (و لقد زینا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوما للشیاطین و اعتدنا لهم عذاب السعیر).

این آیه بار دیگر این حقیقت را تأکید می‌کند که تمام ستارگانی که ما می‌بینیم همه بخشی از آسمان اول است، آسمانی که از میان آسمانهای هفتگانه به ما نزدیکتر می‌باشد، و به همین دلیل به عنوان «السماء الدنيا» (آسمان نزدیک و پائین) برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۳۴

از آن تعبیر شده است.

(آیه ۶)- از آنجا که در آیات گذشته سخن از نشانه‌های عظمت و قدرت خدا و دلایل آن در عالم آفرینش بود، در اینجا سخن از کسانی می‌گوید که این دلایل را نادیده گرفته، و راه کفر و شرک را پیش می‌گیرند، و همچون شیاطین، عذاب الهی را به جان می‌خرند.

نخست می‌فرماید: «برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است و بدفرجامی است» (و للذين كفروا بربهم عذاب جهنم و بس المصير).

(آیه ۷)- سپس به شرح گوشه‌ای از این عذاب وحشتناک پرداخته، می‌افزاید: «هنگامی که (کفار) در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می‌شنوند و این در حالی است که پیوسته می‌جوشد» (اذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا و هي تفور).

آری! هنگامی که آنها با نهایت ذلت و حقارت در آن پرتاب می‌شوند فریاد وحشتناک و طولانی جهنم بر می‌خیزد، و تمام وجود آنها را در وحشت فرو می‌برد.

(آیه ۸)- سپس برای مجسم ساختن شدت خشم «دوزخ» می‌افزاید: «نزدیک است از شدت غضب پاره پاره شود»! (تكاد تميز من الغيظ).

درست همانند ظرف عظیمی که روی آتش فوق العاده پرحرارتی گذارده‌اند و چنان می‌جوشد و زیر و رو می‌شود که هر زمان بیم متلاشی شدن آن می‌رود.

سپس ادامه می‌دهد: «هر زمان که گروهی در آن افکنده می‌شوند نگهبانان دوزخ (از روی تعصب و توبیخ) از آنها می‌پرسند (مگر شما رهبر و راهنما نداشتید؟) مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟ پس چرا به این روز سیاه افتاده‌اید؟! (كلما القي فيها فوج سالهم خزنتها ا لم ياتكم نذير).

(آیه ۹)- ولی آنان در پاسخ «می‌گویند: آری بیم دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده (تا به هوای نفس خویش ادامه دهیم، حتی به آنها گفتیم) شما در گمراهی عظیمی هستید»! (قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله من شيء ان انتم الا برگزیده تفسیر نمونه،

ج ۵، ص: ۲۳۵

فی ضلال کبیر)

نه تنها آنها را تصدیق نکردیم، و به پیام حیات بخششان گوش فرا ندادیم، بلکه به مخالفت برخاسته، و این طبیبان روحانی را گمراه خواندیم، و از خود راندیم.

(آیه ۱۰)- بعد به دلیل اصلی بدبختی و گمراهی خود اشاره کرده «و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم، و یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (و قالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب السعير).

(آیه ۱۱)- آری «اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند، دور باشند دوزخیان از رحمت خدا!» (فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعير).

از یکسو خداوند گوش شنوا عقل و هوش داده، و از سوی دیگر پیامبرانش را با دلائل روشن فرستاده، اگر این دو با هم ضمیمه شوند سعادت انسان تأمین است.

و گر نه بدبختی و دوری از رحمت خدا نصیب انسان خواهد شد.

(آیه ۱۲)- به دنبال بحثهایی که در آیات گذشته پیرامون کفار و سرنوشت آنها در قیامت بیان شد، قرآن در اینجا به سراغ مؤمنان و پادشاهای عظیم آنها می‌رود.

نخست می‌فرماید: «کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند مسلماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند!» (ان الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة و اجر كبير).

(آیه ۱۳)- سپس برای تأکید می‌افزاید: «گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی‌کند) او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است» (و اسروا قولكم او اجهروا به انه عليم بذات الصدور).

بعضی از مفسران شأن نزولی برای این آیه از «ابن عباس» نقل کرده‌اند که جمعی از کفار یا منافقان پشت لله علیه و آله خبر می‌داد، بعضی از آنها به یکدیگر گفتند: «سخنان خود را پنهانی بگوئید تا خدای محمد نشنود!» برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۳۶

آیه فوق نازل شد و گفت: چه آشکار بگوئید و چه پنهان، خدا از آن آگاه است.

(آیه ۱۴)- این آیه در حقیقت به منزله دلیلی است برای آنچه در آیه قبل آمد، می‌فرماید: «آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟ در حالی که او (از اسرار دقیق) با خبر و آگاه است» (ا لا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير).

(آیه ۱۵)- به دنبال بحثهایی پیرامون دوزخیان و بهشتیان، و کافران و مؤمنان که در آیات پیشین گذشت در اینجا برای ترغیب و تشویق به پیوستن به صفوف بهشتیان، و بر حذر بودن از راه و رسم دوزخیان، به ذکر

بخشی از نعمتهای الهی، و سپس به قسمتی از عذابهای او، اشاره کرده، می‌فرماید: «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد» (هو الذی جعل لکم الارض ذلولاً).

«بر شانه‌های آن راه بروید، و از روزیهای پروردگار بخورید، و (بدانید) بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست» (فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه و الیه النشور).

«ذلول» به معنی «رام» جامعترین تعبیری است که در باره زمین ممکن است بشود. چرا که این مرکب راهوار با حرکات متعدد و بسیار سریعی که دارد آن چنان آرام به نظر می‌رسد که گوئی مطلقاً ساکن است، بعضی از دانشمندان می‌گویند: زمین چهارده نوع حرکت مختلف دارد که سه قسمت آن حرکت به دور خود، و حرکت به دور خورشید، و حرکت همراه مجموعه منظومه شمسی در دل کهکشان است، این حرکات که سرعت زیادی دارد چنان نرم و ملایم است که تا براهین قطعی بر حرکت زمین اقامه نشده بود کسی باور نمی‌کرد حرکتی در کار باشد! از سوی دیگر، پوسته زمین نه چنان سفت و خشن است که قابل زندگی نباشد، و نه چنان سست و نرم است که قرار و آرام نگیرد، بلکه کاملاً برای زندگی بشر رام است.

از سوی سوم، فاصله آن از خورشید نه چندان کم است که همه چیز از شدت برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۳۷

گرما بسوزد، و نه چندان دور است که همه چیز از سرما بشکند، فشار هوا بر کره زمین آن چنان است که آرامش انسان را تأمین کند، جاذبه زمین نه آنقدر زیاد است که استخوانها را در هم بشکند، و نه آن قدر کم است که با يك حرکت انسان از جا کنده شود و در فضا پرتاب شود! خلاصه از هر نظر «ذلول» و رام و مسخر فرمان انسان است.

در عین حال تا گامی بر ندارد و تلاشی نکند بهره‌ای از روزیهای زمین نخواهد داشت! ولی بدانید اینها هدف نهائی آفرینش شما نیست، اینها همه وسائلی است در مسیر «نشور» و رستاخیز و حیات ابدی شما.

(آیه ۱۶) - به دنبال این تشویق و تبشیر به سراغ تهدید و انذار می‌رود، و می‌افزاید: «آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می‌دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را در خود فرو برد، و دائماً به لرزش خود ادامه دهد؟! بطوری که حتی قبر شما هم آرام نباشد (أمنتکم من فی السماء ان یخسف بکم الارض فاذا هی تمور).

آری! اگر او دستور دهد این زمین ذلول و آرام طغیان می‌کند، و به صورت حیوان چموشی در می‌آید، زلزله‌ها شروع می‌شود، شکافها در زمین ظاهر می‌گردد و شما و خانه‌ها و شهرهایتان را در کام خود فرو می‌بلعد، و باز هم به لرزه و اضطراب خود ادامه می‌دهد.

(آیه ۱۷) - سپس می‌افزاید: لازم نیست حتما زلزله‌ها به سراغ شما آید بلکه می‌تواند این فرمان را به تندبادها دهد «آیا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می‌دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد» و شما را زیر کوهی از آن مدفون سازد؟! (ام امنتم من فی السماء ان یرسل علیکم حاصبا).

«و به زودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است!» (فستعلمون کیف نذیر).

(آیه ۱۸) - در حقیقت آیات فوق به این معنی اشاره می‌کند که عذاب آنها برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص:

۲۳۸

منحصر به عذاب قیامت نیست، در این دنیا نیز خداوند با مختصر تکان زمین، یا حرکت بادهای، می‌تواند به زندگی آنها پایان دهد، و بهترین دلیل این امکان، وقوع آن در امتهای پیشین است.

لذا در این آیه می‌گوید: «کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی و رسولان او را) تکذیب کردند، اما (بین) مجازات من چگونه بود؟! (و لقد کذب الذین من قبلهم فکیف کان نذیر).

گروهی را با زلزله‌های ویرانگر، و اقوامی را با صاعقه‌ها، و جمعی را با طوفان یا تندباد مجازات کردیم، و شهرهای ویران شده و خاموش آنها را به عنوان درس عبرتی باقی گذاردیم.

(آیه ۱۹) - به این پرندگان بالای سر خود بنگرید! در آیات آغاز این سوره به هنگامی که بحث از قدرت و مالکیت خداوند بود سخن از آسمانهای هفتگانه و ستارگان و کواکب آنها به میان آمد، در این آیه همین مسأله قدرت با ذکر یکی از موجودات به ظاهر کوچک عالم هستی تعقیب می‌شود، می‌فرماید: «آیا به پرندگانی که بالای سرشان است و گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می‌کنند نگاه نکردند؟! (ا و لم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبضن). همه پرواز می‌کنند اما هر کدام برنامه مخصوصی دارند.

این اجسام سنگین بر خلاف قانون جاذبه از زمین برمی‌خیزند، و به راحتی تمام بر فراز آسمان، ساعتها، و گاه هفته‌ها و ماهها پشت سر هم به حرکت سریع و نرم خود ادامه می‌دهند، بی‌آنکه هیچ مشکلی داشته باشند.

چه کسی بدن آنها را به گونه‌ای آفریده که به راحتی در هوا سیر می‌کنند؟! و چه کسی این قدرت را به بالهای آنها بخشیده؟

لذا در پایان آیه می‌افزاید: «جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی‌دارد، چرا که او به هر چیز بیناست»، و نیاز هر مخلوقی را می‌داند (ما یمسکهن الا الرحمن انه بکل شیء بصیر).

اوست که وسائل و نیروهای مختلف را برای پرواز در اختیار آنها گذارده، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۳۹

نگهدارنده پرندگان در آسمان، همان نگهدارنده زمین و موجودات دیگر است و هر زمان اراده کند نه پرنده قدرت پرواز دارد و نه زمین آرامش خود را حفظ می‌کند.

(آیه ۲۰)- در این آیه به این معنی اشاره می‌کند که کافران در برابر قدرت خداوند هیچ گونه یار و مددکاری ندارند، می‌فرماید: «آیا این کسی که لشکر شماست می‌تواند شما را در برابر خداوند رحمان یاری دهد؟! (امن هذا الذی هو جند لکم ینصرکم من دون الرحمن).

نه تنها نمی‌توانند شما را در گرفتاریها یاری دهند، بلکه اگر بخواهد همانها را مأمور عذاب و نابودی شما می‌کند.

«ولی کافران تنها گرفتار فریبند» (ان الکافرون الا فی غرور).

پرده‌های غرور و جهل بر عقلهای آنها افتاده، و به آنان اجازه نمی‌دهد این همه درس عبرت را بر صفحات تاریخ یا در گوشه و کنار زندگی خود ببینند. (آیه ۲۱)- باز برای تأکید بیشتر می‌افزاید: «یا آن کس که شما را روزی می‌دهد اگر روزیش را باز دارد» چه کسی می‌تواند نیاز شما را تأمین کند؟ (امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه).

هرگاه به آسمان دستور دهد نبارد، و زمینها گیاهی نرویند، و یا آفات مختلف نباتی محصولات را نابود کنند، چه کسی توانائی دارد غذائی در اختیار شما بگذارد؟ و یا اگر روزیهای معنوی و وحی آسمانی را از شما قطع کند چه کسی توانائی راهنمائی شما را دارد؟

اینها حقایقی است آشکار، ولی لجاجت و خیره سری، حجابی است در برابر درک و شعور آدمی، و لذا در پایان آیه می‌فرماید: «بلکه آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می‌ورزند» (بل لجوا فی عتو و نفور).

(آیه ۲۲)- راست قامتان جاده توحید! در تعقیب آیات گذشته، پیرامون کافران و مؤمنان، در این آیه وضع حال این دو گروه را در ضمن مثال جالبی منعکس ساخته، می‌فرماید: «آیا کسی که به رو افتاده حرکت می‌کند، به هدایت نزدیکتر است، یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام بر می‌دارد» و پیش می‌رود. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۴۰

(ا فمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم).

در اینجا افراد بی‌ایمان و ظالمان لجوج مغرور، به کسی تشبیه شده‌اند که از جاده‌ای ناهموار و پرپیچ و خم، می‌گذرد، در حالی که به رو افتاده، و با دست و پا، یا به سینه حرکت می‌کند، نه راه را به درستی می‌بیند، و نه قادر بر کنترل خویشتن است، نه از موانع با خبر است و نه سرعتی دارد؟ کمی راه می‌رود و درمانده می‌شود.

ولی مؤمنان را به افراد راست قامتی تشبیه می‌کند که از جاده‌ای هموار و صاف و مستقیم با سرعت و قدرت و آگاهی تمام، به راحتی پیش می‌رود.

چه تشبیه جالب و دقیقی؟ که آثار آن در زندگی این دو گروه کاملاً نمایان است و با چشم خود می‌بینیم.

لله عليه و آله را مخاطب ساخته، می‌افزاید: «بگو: او کسی است که شما را آفرید، و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد، اما کمتر سپاسگزاری می‌کنید» (قل هو الذی انشاکم و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة قليلا ما تشكرون).

خداوند، هم وسیله مشاهده و تجربه را در اختیار شما قرار داد (چشم) و هم وسیله آگاهی بر نتیجه افکار دیگران (گوش) و هم وسیله اندیشیدن در علوم عقلی (قلب) را، خلاصه تمام ابزار لازم برای آگاهی به علوم عقلی و نقلی را در اختیار شما گذارده است، اما کمتر کسی سپاس این همه نعمتهای بزرگ را به جا می‌آورد، زیرا شکر نعمت آن است که هر نعمتی در مسیر هدفی که به خاطر آن آفریده شده است به کار گرفته شود.

لله عليه و آله را مخاطب ساخته، می‌فرماید: «بگو: او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می‌شوید» (قل هو الذی ذراکم فی الارض و الیه تحشرون).

پیام این سه آیه این است که: در راه راست و صراط مستقیم ایمان و اسلام گام بردارید، و از تمام ابزار شناخت بهره گیرید، و به سوی زندگی جاویدان حرکت کنید.

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۴۱

(آیه ۲۵)- سپس در همین رابطه، به گفتار منکران معاد و پاسخ آنها پرداخته، می‌فرماید: «آنها (از روی استهزاء) می‌گویند: اگر راست می‌گوئید این وعده قیامت چه زمانی است؟! (و يقولون متى هذا الوعد ان کنتم صادقین).

(آیه ۲۶)- در این آیه به آنها چنین پاسخ می‌گوید: «به آنها بگو: علم آن تنها نزد خداست، و من تنها بیم دهنده آشکاری هستم» (قل انما العلم عند الله و انما انا نذیر مبین).

و باید چنین باشد چرا که اگر تاریخ قیامت معلوم بود هرگاه فاصله زیادی داشت مردم در غفلت فرو می‌رفتند، و اگر فاصله کم بود حالتی شبیه به اضطراب پیدا می‌کردند، و در هر حال، هدفهای تربیتی ناتمام می‌ماند.

(آیه ۲۷)- در این آیه، می‌افزاید: «هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک می‌بینند صورت کافران زشت و سیاه می‌گردد» به گونه‌ای که آثار غم و اندوه از آن می‌بارد (فلما راوه زلفة سیئت وجوه الذین کفروا).

«و به آنها گفته می‌شود: این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید!» (و قیل هذا الذی کنتم به تدعون).

(آیه ۲۸)- این آیه و دو آیه بعد که آخرین آیات سوره «ملک» است و همه با کلمه «قل» خطاب به پیامبر لله علیه و آله شروع می‌شود ادامه بحثهایی است که در آیات قبل با کفار شده، که جنبه‌های دیگرش در این آیات، منعکس است.

لله عليه و آله و یارانش را داشتند و گمان می‌کردند که با مرگ وی آئین او برچیده می‌شود و همه چیز پایان می‌یابد- و غالب دشمنان شکست خورده در باره رهبران راستین همیشه همین انتظار را دارند- می‌فرماید: «بگو: به من خبر دهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی که با من هستند، هلاک کند، یا مورد ترحم قرار دهد چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟» (قل ا رایتم ان اهلکنی الله و من معی او رحمننا فمن یجیر الکافرین من عذاب الیم).

لله عليه و آله و مسلمانان نفرین می‌کردند و تقاضای مرگ او را برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۲۴۲ داشتند به گمان این که اگر آن حضرت از دنیا برود، دعوتش نیز برچیده می‌شود، آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد.

(آیه ۲۹)- و در ادامه همین سخن می‌افزاید: «به آنها بگو: او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده، و بر او توکل کرده‌ایم، و به زودی می‌دانید چه کسی در گمراهی آشکار است» (قل هو الرحمن آما به و علیه توکلنا فستعلمون من هو فی ضلال مبین).

یعنی، اگر ما به خدا ایمان آورده‌ایم، و او را ولی و وکیل و سرپرست خود برگزیده‌ایم، دلیلش روشن است، او خدای رحمان است، رحمت عامش همه جا رسیده، و فیض انعامش دوست و دشمن را فرا گرفته، اما معبودهای شما چه کاری کرده‌اند؟!

(آیه ۳۰)- در آخرین آیه به عنوان ذکر يك مصداق از رحمت عام خداوند که بسیاری از مردم از آن غافلند، می‌گوید: «به آنها بگو: به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟»! (قل ا رایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یأتیکم بماء معین).

در روایاتی که از ائمه اهل بیت علیهم السّلام به ما رسیده، آیه اخیر به ظهور حضرت مهدی- عج- و عدل جهان گستر او تفسیر شده است که همه از باب «تطبیق» است، و به تعبیر دیگر ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است، و باطن آیه مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی است.